

## منابع علم امام از منظر اندیشمندان مدرسه کلامی قم\*

«مطالعه موردی: برقی، کلینی، صدوق»

[سید محمد مهدی زیدی<sup>۱</sup>]

### چکیده

برخورداری امام از علمی خاص و ویژه، که از جانب خداوند است، مورد اختلاف متکلمان امامی نیست؛ اما آنان همواره در دو مسئله محوری پیرامون علم امام، اختلاف کرده‌اند: یکی گستره علم امام و دیگری منابع علم امام. در روایات، منابع و سرچشمه‌های متعددی برای علم امام بیان شده است. اندیشمندان قم در کتاب‌های خود، روایاتی را ذکر و منابع علم امام را بیان کرده‌اند. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که دیدگاه اندیشمندان مدرسه کلامی قم درباره منابع علم امام چه بوده است؟ این پژوهش با بررسی دیدگاه سه شخصیت ممتاز از سه جریان فکری حاکم بر قم، به این نتیجه رسیده است که این جریان‌ها، ضمن پذیرش علم ویژه برای امام، به فراخور رویکردهای خود، در بیان و ذکر منابع علم امام با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند. «الهامی» و «وراثت» دو عنوان مهم برای منابع علم امام است که این مشایخ در آثار خود به آنها اشاره کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** علم امام، منابع علم امام، مدرسه کلامی قم، برقی، کلینی، صدوق.

\* تاریخ دریافت (۹۶/۸/۲۴) تاریخ پذیرش (۹۶/۱۰/۲۰)

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه جامعه المصطفی؛ پژوهشگر

بنیاد فرهنگ جعفری Mahdi\_zaidi88@yahoo.com

## مقدمه

مسئله امامت، از جمله آموزه‌های اعتقادی مکتب تشیع می‌باشد و از شاخص‌های تمایز شیعه از دیگر مذاهب اسلامی شمرده می‌شود. شیعه با توجه به جایگاهی که برای امام قائل است، وی را دارای علم ویژه از جانب خداوند می‌داند. با پذیرش علم خاص و ویژه برای امام، اولین سؤال مهم و اساسی این است که منابع و مجاری این علم، کدام است؟

عالمان شیعه به فراخور رویکرد و مدرسه کلامی خود، در پاسخ به این سؤال مهم، با توجه به آن چه در روایات آمده، منابع علم امام را بیان کرده‌اند. در این بین، اندیشمندان مدرسه قم، با توجه به رویکرد حدیثی - کلامی شان، اهتمام ویژه‌ای به مسئله علم امام و مسائل مرتبط با آن، از جمله مسئله منابع علم امام داشته‌اند. مدرسه کلامی قم که در حقیقت ادامه‌دهنده جریان محدث - متکلمان مدرسه کوفه بود، دو ویژگی بارز داشت:

(۱) نقل میراث حدیثی و پرهیز از نظریه پردازی.

(۲) برخورد سخت‌گیرانه در پذیرش احادیث.

اخراج برخی مشایخ از قم با اتهام غلو و نقل از ضعفاء را می‌توان نتیجه ویژگی دوم دانست. سه خط فکری حاکم بر مدرسه قم، ضمن داشتن این دو ویژگی مشترک، در پاره‌ای از باورها و شیوه‌ها با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.<sup>۱</sup>

این پژوهش با توجه به آثار سه شخصیت ممتاز از سه خط فکری مدرسه قم (احمد بن ابوعبدالله برقی از جریان برقی، محمد بن یعقوب کلینی از جریان ابراهیم بن هاشم و شیخ صدوق از جریان احمد بن محمد بن عیسی اشعری)، منابع علم امام را بررسی و ردیابی کرده است؛ از آن جا که باور به بعضی از منابع علم امام، نزد برخی، معیار شناخت غالبان بوده است، این مقاله نشان می‌دهد که این معیار، با توجه به باور مشایخ سه‌گانه مدرسه قم به منابع علم امام، از استحکام چندانی برخوردار نیست. بازشناسی دیدگاه این سه شخصیت، به عنوان مهم‌ترین نمایندگان خطوط

۱. رک: طالقانی، سید حسن، «مدرسه کلامی قم»، مجله نقد و نظر، ۶۵/۷۶.

فکری مدرسه قم، از آن جهت با اهمیت است که می‌تواند ما را در شناخت دیدگاه مشایخ قم درباره منابع علم امام، که همواره یکی از شاخصه‌های اتهام به غلو بوده است، یاری رساند.

از آن جا که محدثان شیعه از نقل روایاتی که به صدور آنها اطمینان نداشتند، خودداری می‌کردند، بیان و نقل روایتی از جانب راوی را می‌توان به معنای اعتقاد به مضمون روایت دانست.<sup>۱</sup> با همین استدلال و با توجه به آن چه این سه بزرگوار نقل کرده‌اند، می‌توان به دیدگاه شخصی آنان پی برد. در نقطه مقابل، در مواردی که صاحب اثر از درج گروهی از روایات با مضمونی خاص، با وجود مقتضی و دسترسی به روایات، امتناع کرده است، می‌توان این عدم نقل را اماره‌ای بر عدم پذیرش این مضمون و یا وجود ملاحظاتی در ذهن مؤلف کتاب دانست.

با توجه به اهمیت مبحث علم امام و موضوعات مرتبط با آن، مقالات متعددی با محوریت منابع علم امام به رشته تحریر درآمده است که می‌توان آنها را در چهار دسته کلی جای داد:

**دسته اول:** مقالاتی که منابع علم امام را به صورت کلی در دو منبع قرآن و روایات جستجو کرده‌اند. «منابع علم امام در قرآن» و «منابع علم اهل بیت (علیهم‌السلام) در روایات» نمونه‌هایی از این نوع مقالات می‌باشند.

**دسته دوم:** مقالاتی که به صورت موردی به موضوع منابع علم امام پرداخته‌اند؛ در این نوع مقالات، نویسندگان یکی از منابع علم امام را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. «مصحف حضرت علی (علیه‌السلام) در منابع علم ائمه (علیهم‌السلام)» نمونه‌ای از این نوع پژوهش‌ها است. این مقاله تنها به بررسی ویژگی‌های مصحف حضرت علی (علیه‌السلام) و جایگاه آن در منابع علم امام پرداخته است.

**دسته سوم:** مقالاتی که دیدگاه دو شخص یا دو مدرسه، پیرامون منابع علم امام را مقایسه کرده‌اند. در این بخش می‌توان از مقاله «منابع علم امام از نگاه متکلمان قم

۱. رک: حسینی، سید علی رضا، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۴۷، ش ۱.

و بغداد» نام برد؛ در این مقاله نویسنده به بررسی و مقایسه آراء متکلمان مدرسه قم و بغداد پرداخته است.

**دسته چهارم:** مقالاتی که کتاب محور بوده و منابع علم امام را در یک کتاب مشخص بررسی کرده اند؛ برای نمونه می توان به مقاله «بررسی منابع علم امام با تکیه بر روایات بصائر الدرجات» اشاره کرد؛ در این مقاله نویسنده منابع علم امام را تنها در کتاب بصائر الدرجات جستجو کرده است.

پژوهش حاضر، در اصل موضوع با مقالات فوق اشتراک دارد و در پاره ای موارد، از آنها استفاده کرده است. در پژوهش های پیشین، موضوع به صورت کلی بررسی شده و شخصیت های مورد پژوهش، از همه جریان های حاکم بر مدرسه قم انتخاب نشده است؛ اما مقاله پیش رو با نگاهی جزئی تر و دقیق تر و با انتخاب سه نماینده شاخص از سه خط فکری مدرسه قم، سعی دارد به نتیجه مشخصی از بررسی آراء و نظریات مدرسه قم پیرامون منابع علم امام برسد.

پیش تر در پژوهشی مستقل، نشان داده شده که در مدرسه قم، سه خط فکری متمایز، قابل شناسایی است که به لحاظ مؤلفه های فکری و روشی، اختلافاتی داشته اند.<sup>۱</sup> در ادامه از هر خط فکری، نماینده ای که دارای اثر موجود باشد، معرفی شده و مورد مطالعه قرار می گیرد.

### ۱. احمد بن محمد برقی

احمد بن محمد بن خالد برقی، از اصحاب امام جواد و امام هادی علیه السلام بود.<sup>۲</sup> او و پدرش محمد بن خالد برقی را می توان سرآغاز یک خط فکری متمایز در قم دانست. ویژگی این پدر و پسر نقل از ضعفاء و مجاهیل و اعتماد بر اخبار مرسل بود و به همین دلیل، احمد مورد طعن و تضعیف برخی از علمای رجال قرار گرفت.<sup>۳</sup> وی دارای

۱. رک: طالقانی، سید حسن، «مدرسه کلامی قم»، مجله نقد و نظر، ۶۵/ ۷۶.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الرجال، ص ۳۷۳ و ۳۸۳.

۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۷۷؛ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۵۳؛ ابن

غضائری، احمد بن حسین، رجال، ۱/ ۳۹.

تألیفات زیادی در موضوعات گوناگون بوده است،<sup>۱</sup> اما تنها اثر باقیمانده از این عالم بزرگ، کتاب شریف «المحاسن» است که بخشی از آن به دست ما رسیده است؛ به همین دلیل برای یافتن دیدگاه وی، علاوه بر کتاب المحاسن به کتب روایی دیگر، از جمله بصائر الدرجات و الکافی و آثار شیخ صدوق، که روایات برقی را در خود جای داده‌اند، مراجعه شده است.

## ۲. محمد بن یعقوب کلینی

ثقة الاسلام، محمد بن یعقوب کلینی، از شخصیت‌های مهم و مؤثر در مدرسه قم محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> کتاب گرانمایه و بی‌بدیل کافی از آثار ارزشمند اوست. وی را می‌توان میراث‌دار خط فکری ابراهیم بن هاشم در قم دانست که متأثر از اندیشه‌های هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن بود. بررسی اسناد و مضامین نقل شده در کافی، قرابت فکری کلینی به علی بن ابراهیم و جریان متکلمان کوفه را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup>

## ۳. شیخ صدوق

ابوجعفر محمد بن علی، معروف به شیخ صدوق، محدثی بزرگ با آثار متعدد و ارزشمند است. ایشان در بین بزرگان قم از جهت حفظ احادیث و کثرت معلومات، نظیر نداشت<sup>۴</sup> و حدود سیصد اثر از خود به یادگار گذاشته است.<sup>۵</sup> با بررسی اندیشه شیخ، وی را می‌توان از خط فکری احمد بن محمد بن عیسی دانست؛ گرچه شیخ صدوق تحت تأثیر خطوط دیگر، تا اندازه‌ای از این خط فکری فاصله گرفت. ویژگی بارز این خط فکری، تقابل جدی با جریان غلو و تمایز فکری با جریان متکلمان نظریه پرداز بوده است.<sup>۶</sup>

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۵۲.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۳۷۷.

۳. در این باره رک: طالقانی، سیدحسن، همان، مجله نقد و نظر، ش ۶۵.

۴. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۴۴۲.

۵. همان، ص ۴۴۳.

۶. در این باره رک: طالقانی، سیدحسن، همان، مجله نقد و نظر، ش ۶۵.

## منابع علم امام

بدون شک دانش اهل بیت علیهم السلام همچون علوم متعارف بشری، که از طریق اکتساب و حواس پنج‌گانه و تفکر و استدلال حاصل می‌شود، نبوده است و امام به صورت ویژه‌ای از دانش الهی بهره‌مند می‌شد. در روایات اهل بیت علیهم السلام برخی از منابع و وسائط بهره‌مندی امام از دانش الهی بیان شده است.

با توجه به روایات، بحث منابع علم امام را می‌توانیم تحت دو عنوان کلی «منابع الهامی یا غیرمکتوب» و «منابع میراثی یا مکتوب» مطرح کنیم. در ادامه، این دو عنوان و مشخصه‌هایی که در روایات برای هر یک از آنها بیان شده است، بررسی می‌شود.

### ۱- منابع الهامی

منابع الهامی سرچشمه‌هایی الهی است که از آنها آموزه‌هایی بر قلب و جان ائمه علیهم السلام افزوده می‌شود. از این نوع علم با نام‌های علم لدنی، ربانی و موهبتی نیز یاد شده است. در ادامه به برخی از این منابع اشاره می‌شود.

#### ۱-۱- تحدیث

در بعضی روایات، ائمه علیهم السلام به عنوان «محدّث» معرفی شده‌اند. طبق تعریف روایی، «محدّث» کسی است که فرشته با او سخن می‌گوید و او نیز صدای ملک را می‌شنود، بدون آن‌که او را مشاهده کند و یا در خواب ببیند؛<sup>۱</sup> در این هنگام وقار و سکینه‌ای به امام داده می‌شود و به واسطه آن، می‌فهمد که این سخن از جانب ملک است.<sup>۲</sup> کلینی<sup>۳</sup> ذیل دو باب با عناوین «بَابُ الْفَرْقِ بَيْنَ الرَّسُولِ وَالنَّبِيِّ وَالْمُحَدَّثِ»<sup>۴</sup> و «بَابُ أَنَّ الْأَيِّمَةَ علیهم السلام مُحَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ»<sup>۵</sup> روایات محدّث بودن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۱۷۶ - ۱۷۷.

۲. همان، ۱/ ۲۷۱، ح ۴.

۳. اگرچه کلینی به لحاظ زمانی، متأخر از برقی است، اما علت شروع بحث از کلینی، در دسترس بودن آثار ایشان و نظم و تبویب ویژه وی در کتاب کافی است.

۴. همان، ۱/ ۱۷۶.

۵. همان، ۱/ ۲۷۰.

ائممه عليهم السلام را نقل کرده که در مجموع، نه روایت می باشد.

در برخی روایات، علم و دانش اهل بیت عليهم السلام را به سه وجه یا گروه تقسیم کرده اند. با ملاحظه مجموعه این روایات، می توان علم امام را به «آگاهی از گذشته»، «آگاهی از حال» و «آگاهی از آینده» تقسیم کرد. کلینی این دسته از روایات را در بابی با عنوان «بَابُ جِهَاتِ عُلُومِ الْأَئِمَّةِ» گردآوری کرده است.

علم به گذشته توسط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ائمه عليهم السلام تفسیر شده و آن چه مربوط به آینده است، در چیزی تدوین و مکتوب شده است؛ اما علم روزانه یا حادث، در روایات با تعبیر «قذف في القلوب و نقر في الاسماع» تبیین شده است. این علم توسط ملک در دل الهام و در گوش القاء می شود.<sup>۱</sup> در روایات، نکت در قلب و نقر در اذن، بهترین نوع از انواع دانش اهل بیت عليهم السلام دانسته شده است؛<sup>۲</sup> افزون بر آن، این دو از نشانه های محدث بودن نیز معرفی شده اند.<sup>۳</sup> این مطلب در روایت برقی که صفار آن را در کتاب بصائر الدرجات نقل کرده نیز قابل مشاهده است.<sup>۴</sup>

هم چنین در روایتی که کلینی از امام صادق عليه السلام نقل کرده، آمده است که ابوبصیر پس از شنیدن این سخن امام که فرمودند، علم تورات و انجیل و زبور و هرآن چه در الواح بوده، نزد ما است، از ایشان سؤال می کند که آیا به راستی علم همین است؟ امام در پاسخ می فرماید: این علم کامل نیست، بلکه علم کامل آن است که روز به روز و ساعت به ساعت پدیدار می شود.<sup>۵</sup> این گزارش اهمیت تحدیث از دیدگاه کلینی را بیشتر آشکار می سازد.

برخلاف کلینی که اهتمام ویژه ای نسبت به روایات تحدیث داشته است، صدوق در آثار خود اشاره ای به تقسیم بندی سه گانه علوم و بحث «نکت و نقر» نکرده است؛ عنوان تحدیث و محدث بودن در آثار وی پرتکرار نیست و او از نقل عمده

۱. همان، ۱/ ۲۶۴.

۲. همان، ۱/ ۲۶۴، ح ۱.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۳۲۴، ح ۱۲ - ۱۳.

۴. همان، ص ۳۲۶، ح ۳.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۲۵.

این روایات اجتناب کرده است. صدوق نه تنها باب مستقلی در آثار خود به روایات تحدیث و نکت و نقر اختصاص نداده، بلکه در چند اثر خود پیرامون علم امام، بیان و توضیحی دارد که در آنها، تنها به علم وراثتی اشاره کرده و علم امام را وراثت از پیامبر دانسته است. البته صدوق در چند مورد، روایاتی که در آنها ائمه علیهم السلام محدث معرفی شده اند را بیان کرده است.<sup>۱</sup> وی روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که در آن، یکی از علائم امام «محدث بودن» معرفی شده است.<sup>۲</sup>

روایات فراوان دیگری تحت عناوینی دیگر در جوامع حدیثی، گرد آمده که در آنها، مصادیق علم تحدیثی امام بیان شده است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

#### ۱-۱-۱. آگاهی از اعمال بندگان (عرضه اعمال و عمود نور)

آگاهی از اعمال و افعال بندگان، یکی از شئون علم امام است. در روایات دو طریق برای آگاهی امام از اعمال بندگان بیان شده است. در برخی روایات عنوان شده که اعمال بندگان، از جانب خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام عرضه می شود. می توان گفت که این اطلاعات، از زمره علوم الهامی است که ملائکه به امام اطلاع می دهند. کلینی روایات این موضوع را ذیل «بَابُ عَرْضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم وَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام» گردآوری کرده است. در این روایات بیان شده که اعمال و رفتار انسان ها، چه خوب و چه بد،<sup>۳</sup> هر شب و روز بر اهل بیت علیهم السلام عرضه می شود.<sup>۴</sup> در روایتی، زمان آن هر صبح بیان شده است.<sup>۵</sup> صدوق نیز همسان با کلینی روایاتی با این مضامین نقل کرده است.<sup>۶</sup>

۱. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۲/ ۴۸۰؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۲۰؛ همو، کمال الدین، ۱/ ۳۰۵.

۲. همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱/ ۲۱۳.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۲۰، ح ۶.

۴. همان، ۱/ ۲۱۹، ح ۴.

۵. همان، ۱/ ۲۱۹، ح ۱.

۶. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۱/ ۱۹۱؛ همو، معانی الاخبار، ۱/ ۵۷۸؛ همو، الامالی، ص ۵۶۳.



در لسان روایات، یکی دیگر از طرق آگاهی امام بر اعمال و رفتار انسان‌ها «عمود نور» یا «منار نور» بیان شده است. گرچه کلینی بابی را به روایات آن اختصاص نداده، اما ذیل باب موالید ائمه علیهم‌السلام، پنج روایت در این موضوع آورده است.<sup>۱</sup> مجموع این روایات می‌رساند که وقتی امام به امامت می‌رسد، خداوند مناری از نور را در هر شهری برایش برپا می‌دارد که می‌تواند اعمال و کردار بندگان را در آن مشاهده کند.<sup>۲</sup>

صدوق تنها به بیان یک روایت در این موضوع بسنده کرده است. وی در باب علامت‌های امام از امام رضا علیه‌السلام روایتی نقل کرده که در آن، یکی از صفات امام این‌گونه بیان شده که او اعمال و افعال بندگان را در ستونی از نور می‌بیند و برآن چه بدان احتیاج دارد، آگاهی می‌یابد. گاهی آن نور برای او گسترده می‌شود و آن چه که باید بدانند را می‌داند و گاه از او گرفته می‌شود و در نتیجه، آن چه را که لازم نیست، نمی‌داند.<sup>۳</sup>

از احمد برقی روایتی در این موضوع یافت نشد، اما دیدگاه کلینی و صدوق در این موضوع، نزدیک به هم است.

#### ۱-۲- عروج روح امام به عرش، جهت ازدیاد علم

برخی از روایات صادره از اهل بیت علیهم‌السلام حاوی این نکته است که علم ایشان، اگر افزایش نیابد، از بین خواهد رفت. برقی از امام صادق علیه‌السلام روایتی نقل کرده که در آن، براین مطلب تصریح شده است.<sup>۴</sup> کلینی نیز هم‌نظر با برقی، این روایات را در «باب لَوْلَا أَنَّ الْأَئِمَّةَ علیهم‌السلام يَزِدُّا دُونَ كَلْفَدَ مَا عِنْدَهُمْ» بیان کرده است.<sup>۵</sup> در روایتی، راوی پس از شنیدن این سخن، از امام سؤال می‌کند که آیا چیزی بر علم شما افزوده می‌شود

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۳۸۵.

۲. همان، ۱/ ۳۸۷.

۳. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ۱/ ۲۱۴ - ۲۱۵. در «خصال»، قسمت انتهایی روایت از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است؛ همو، الخصال، ۲/ ۵۲۸.

۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۳۹۵، ح ۲.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۵۴.

که پیامبر ﷺ آن را نمی دانست؟ امام علیؑ در پاسخ می فرماید: هرگاه بنای افزایش علم باشد، ابتدا آن را بر پیامبر عرضه می کنند، سپس بر امامان، یکی پس از دیگری عرضه می شود.<sup>۱</sup>

در روایاتی بیان شده است که روح ائمه علیهم السلام در هر شب جمعه به عرش عروج می کند و پس از افزایش علم به ابدانشان بازمی گردد و اگر چنین نباشد علمشان نابود می شود.<sup>۲</sup> بنابراین گزارش کلینی، در هر شب جمعه، روح انبیاء و اوصیاء به همراه روح امام هر زمان، به آسمان می روند تا به عرش پروردگار برسند. در آن جا هفت دور طواف می کنند و بعد از طواف، کنار هر ستونی دو رکعت نماز می خوانند و بازمی گردند. روح امام وقت نیز در حالی برمی گردد که مقدار زیادی به علمش افزوده شده است.<sup>۳</sup>

از مجموع این روایات، استفاده می شود که این علم نیز از نوع علوم الهامی است. این نمونه از روایات که در آثار برقی و کلینی آمده، در آثار شیخ صدوق گزارش نشده است.

## ۱-۲- روح القدس

«روح القدس» از واژگان مشترک میان آیات و روایات است. ترکیب روح القدس، اضافه موصوف به صفت است (الروح القدوس) و به معنای روحی که مرتبه ای خاص از روح است و وظیفه ای منحصر به فرد برعهده دارد و دارای قداست و طهارت است، می باشد.<sup>۴</sup> طبق روایات، در انبیاء و اوصیاء، پنج روح وجود دارد که یکی از آنها «روح القدس» است.<sup>۵</sup> البته در برخی از روایات، تصریح شده است که این روح، مختص

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۵۵، ح ۳ - ۴.

۲. همان، ۱/ ۲۵۴.

۳. همان، ۱/ ۲۵۳.

۴. قیوم زاده، محمود و شاکر، محمد تقی، «چیستی روح القدس و آثار آن»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ۳۰/ ۸۸.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۷۲، ح ۲.

پیامبرگرامی اسلام ﷺ بوده و بعد از ایشان در خدمت اهل بیت علیهم السلام است.<sup>۱</sup> کلینی در کتاب شریف کافی، دو باب با عناوین «بَابُ فِيهِ ذِكْرُ الْأَزْوَاجِ الَّتِي فِي الْأَئِمَّةِ علیهم السلام» و «بَابُ الرُّوحِ الَّتِي يُسَدِّدُ اللَّهُ بِهَا الْأَئِمَّةَ علیهم السلام» آورده و در مجموع، نه روایت ذیل این دو باب نقل کرده است. در این روایات، روح القدس موجودی بزرگ‌تر و عظیم‌تر از جبرئیل و میکائیل معرفی شده است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام بوده و ایشان را حمایت و پشتیبانی کرده و از اخبار آگاه می‌ساخت.<sup>۲</sup> این روح، خواب و غفلت و بازی و سرگرمی و فراموشی ندارد<sup>۳</sup> و اهل بیت علیهم السلام به وسیله آن، امور و مطالب زیر عرش تا زیر خاک را می‌دانند.<sup>۴</sup> برخی از روایات هم بیان می‌دارند که هرگاه پیش آمدی برای ائمه علیهم السلام رخ دهد که علم به آن ندارند، روح القدس آن را به ایشان القاء می‌کند.<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام در پاسخ شخصی که از منبع و چگونگی علم امام سؤال کرد، فرمودند:

... پیامبر در حالی بود که نمی‌دانست کتاب و ایمان چیست تا این که خداوند روحی را که در قرآن از آن یاد کرده است، مبعوث کرد و چون آن را به وی وحی کرد، علم و فهم را به وسیله آن آموخت و این روحی است که خدا به هر کس که بخواهد عطا می‌کند و چون آن را به بنده ای عطا کرد، به او فهم می‌آموزد.<sup>۶</sup>

شب‌های قدر یکی از زمان‌هایی است که در آن، روح و ملائکه بر امام نازل شده و امورات آن سال را برای امام تفسیر می‌کنند.<sup>۷</sup>

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۴۶۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۷۲، ح ۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۷۳.

۳. همان، ۱/ ۲۷۲، ح ۳.

۴. همان، ۱/ ۲۷۲، ح ۲.

۵. همان، ۱/ ۳۹۸، ح ۳-۴.

۶. همان، ۱/ ۲۷۳-۲۷۴، ح ۵.

۷. همان، ۱/ ۲۴۸.

مجموعه این روایات، نشان دهنده آن است که ائمه علیهم السلام از طریق روح القدس، علوم الهی را دریافت می کردند و روح القدس مأمور راهنمایی و تأیید علمی ائمه علیهم السلام بوده است. با توجه به روایات این دو باب کتاب کافی، می توان «روح القدس» را از منابع مهم علم امام از دیدگاه کلینی به شمار آورد.

برقی در باب «العلل» کتاب شریف المحاسن، روایتی را نقل کرده که در آن، امام صادق علیه السلام ضمن بیان جریان ولادت امام کاظم علیه السلام، به بزرگ تربودن روح القدس از جبرئیل و ملائکه اشاره کرده و بیان می دارند، هنگامی که امام متولد می شود، خداوند علم اولین و آخرین را به او عطا می کند و او را مستحق زیارت روح القدس در شب قدر می کند.<sup>۱</sup> صفار نیز در کتاب بصائر الدرجات روایتی از برقی نقل کرده که در آن به القای علم توسط روح القدس تصریح شده است.<sup>۲</sup>

شیخ صدوق نیز وجود روح القدس در انبیاء و ائمه علیهم السلام را از اعتقادات مکتب تشیع دانسته است.<sup>۳</sup> وی بیان می کند که خداوند، روح القدس را قبل از خلقت انبیاء خلق کرده و به وسیله آن انبیاء و حجت هایش را تأیید<sup>۴</sup> و موفق کرده و آنها را از کید و وسوسه های شیطان بازمی دارد و با خطورات صادق که در دل آنها می افکند، امداد و یاری شان می کند.<sup>۵</sup> او معتقد است که امام و روح القدس هیچ گاه از یکدیگر جدا نمی شوند.<sup>۶</sup> صدوق به تربیت علمی ائمه توسط روح القدس تنها در یک جا اشاره می کند و آن، در نقل جریان ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم است که امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به عمه گرامیشان، حکیمه می فرمایند:

... این روح القدس است که همراه با ائمه بوده و محافظ ایشان است

و در کارها موفقشان می دارد و به آنها علم می آموزد.<sup>۷</sup>

۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۲/ ۳۱۵.

۲. صفار، محمد بن حسن، همان، ۱/ ۴۵۱.

۳. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، ص ۵۰.

۴. همو، الخصال، ۲/ ۵۲۸؛ همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱/ ۲۱۳.

۵. همو، التوحید، ص ۱۲۹.

۶. همو، علل الشرایع، ۱/ ۱۲۳.

۷. همو، کمال الدین، ۲/ ۴۲۹.

با توجه به آن چه صدوق در آثار خود درباره روح القدس آورده، این نکته پرواضح است که وی، اگرچه همراهی روح القدس با ائمه علیهم السلام را پذیرفته است، اما همانند کلینی آن را به علم امام مرتبط نکرده و به کارکرد آن در ازدیاد علم امام تصریح نکرده است.

## ۲- منابع میراثی

نوع دیگری از علوم در اختیار امامان، علمی است که از پیامبر و انبیاء گذشته به آنها ارث رسیده و نزد آنان محفوظ است. این علوم به صورت مکتوب نزد اهل بیت علیهم السلام نگهداری شده و به امام بعدی، یکی پس از دیگری، منتقل می‌شود. در ادامه، به بحث وراثت - که یکی از منابع مهم علم امام به شمار می‌آید - و مکتوبات موجود نزد ائمه علیهم السلام پرداخته می‌شود.

روایات متعددی مشتمل بر این مطلب است که علم نزد انبیاء و ائمه از بین نمی‌رود و به ارث منتقل می‌شود و عالمی از اهل بیت علیهم السلام نمی‌میرد، جز این که کسی را به جای گذارد که مانند او یا آن چه خدا بخواهد، بداند.<sup>۱</sup> در برخی روایات آمده است، علمی که با حضرت آدم فرود آمد از بین نرفته و به ارث گذاشته شده است و علی علیه السلام عالم این امت است و هیچ عالمی از ما نمی‌میرد مگر این که کسی که علم او را داراست، جانشین او شود.<sup>۲</sup> طبق گزارش صفار از برقی، اهل بیت علیهم السلام علم را از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام به ارث برده‌اند.<sup>۳</sup>

در روایتی که کلینی در باب «أَنَّ الْأَيِّمَةَ وَرَثَةُ الْعِلْمِ يَرِثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْعِلْمَ» نقل کرده، علم پیامبر به نهری بزرگ تشبیه شده است که مردم آن را رها کرده و رطوبت را می‌مکنند. خداوند علم تمام پیغمبران را برای پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله جمع کرد و آن حضرت همه آن علوم را به امیرالمؤمنین علیه السلام منتقل کرد.<sup>۴</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۲۱ - ۲۲۲؛ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین، ۱/ ۲۲۳، ح ۱۳ - ۱۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۲۲، ح ۲.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۳۲۶ - ۳۲۷، ح ۳.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۲۳، ح ۶.

در روایات دیگری نیز، مسئله وراثت علم از پیامبر و انبیاء و اوصیاء، بیان شده است. کلینی این روایات را در باب «أَنَّ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَثُوا عِلْمَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» گردآوری کرده است. در نامه‌ای که امام رضا علیه السلام به یکی از اصحابشان نوشته‌اند، بیان شده که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله ما اهل بیت وارثان او هستیم؛ پس ما امینان خدا در زمین هستیم و علم بلاها و مرگ‌ها و نسب‌های عرب نزد ما است.<sup>۱</sup> در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است که به راستی علی بن ابی طالب علیه السلام علم همه اوصیاء و هر کس که پیش از او بوده را به ارث برده بود و محمد صلی الله علیه و آله علم همه انبیاء و مرسلین پیش از خود را به ارث برده بود.<sup>۲</sup> هم چنین به تصریح روایات، خداوند هیچ چیزی به انبیاء عطا نفرمود مگر این که همه آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله عطا کرده و پیامبر از همه انبیاء داناتر است.<sup>۳</sup>

در مجموعه‌ای از روایات، بیان شده که پیامبر به امیرالمؤمنین علیه السلام هزار باب از علم و دانش را تعلیم داده است. این روایات به روایات «ألف باب» شهرت دارند.<sup>۴</sup> صدوق در کتاب *الخصال*، در بابی با عنوان «علم رسول الله صلی الله علیه و آله علیاً علیه السلام ألف باب یفتح کل باب ألف باب» این روایات را گردآوری کرده است؛ البته در آثار دیگر وی نیز، برخی از این روایات به صورت پراکنده موجود است.<sup>۵</sup> کلینی نیز در کتاب کافی، اگرچه برای این روایات عنوانی اختصاص نداده، اما آنها را نقل کرده است.<sup>۶</sup> موضوع واحدی که در همه این روایات بیان شده این است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام هزار باب از علم و دانش را آموخت که از هر باب، هزار باب علم گشوده می‌شود.<sup>۷</sup> در برخی روایات «هزار حدیث» یا «هزار کلمه» نیز

۱. همان، ۱/ ۲۲۳ - ۲۲۴.

۲. همان، ۱/ ۲۲۴.

۳. همان، ۱/ ۲۲۵ - ۲۲۶.

۴. در این باره رک: شاکر، محمدتقی، «پژوهشی در روایات ألف باب»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۶۶.

۵. صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، ص ۶۳۸.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۳۹ و ۲۹۶؛ همان، ۸/ ۱۴۷.

۷. صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، ۲/ ۶۴۲ - ۶۵۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/

۲۳۹ و ۲۹۶ و ۲۹۷.

آمده است. از این ابواب، تنها یک یا دو باب برای مردم گفته شده است.<sup>۱</sup> به فرموده امام صادق علیه السلام کسی جزائمه علیه السلام این علم و دانش را ندارد.<sup>۲</sup> هم چنین طبق روایت اصبح بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام، ابواب تعلیمی پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام، ابواب حلال و حرام و آن چه گذشته و آن چه تا روز رستاخیز رخ خواهد داد و نیز دانش سرآمد مرگ ها و بلاها و فصل الخطاب را شامل می شود.<sup>۳</sup>

طبق آن چه گفته شد، پرواضح است که نزد برقی، کلینی و صدوق، «وراثت» از منابع مهم علم امام به شمار می آید. هم چنین از اهتمام ویژه ای که شیخ صدوق در تبویب احادیث «ألف باب» نشان داده، این نکته قابل استفاده است که از دیدگاه وی، «وراثت علم» مهم ترین منبع علم ائمه علیهم السلام محسوب می شود. وی در آثار خود و در مقام های مختلف بر این نکته تصریح و تأکید کرده است. به عقیده او، جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله باید کسی باشد که در علم شریعت و مصالح دین و دنیا، به مخلوقی چون ما محتاج نباشد؛ پس علم امامت باید به طور کامل از خدا و شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست آید و امام بدین وسیله به حقایق، تنزیل، تفسیر، تأویل، معانی، نسخ، منسوخ، محکم، متشابه، حلال، حرام و دستورات قرآن دانا و آگاه باشد.<sup>۴</sup> هم چنین خبر دادن امام قبل از وقوع پیشامدها، به واسطه اخباری است که از طریق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دریافت کرده است؛ اطلاعاتی که جبرئیل از جانب خدا برای پیغمبر آورده بود، مربوط به حوادثی است که تا روز قیامت پدید خواهد آمد.<sup>۵</sup>

افزون بر این مطالب، در روایتی که صدوق از امام صادق علیه السلام گزارش کرده، بیان شده است که زمین هیچ گاه نمی تواند از عالمی آگاه به حلال و حرام و آن چه مردم به آن احتیاج دارند، خالی باشد و این علم از پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به ارث رسیده است.<sup>۶</sup> کلینی این روایت را در کافی نقل نکرده است.

۱. همان، ۱/ ۲۹۷، ح ۹.

۲. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۲/ ۶۴۷، ح ۳۷.

۳. همان، ۲/ ۶۴۳، ح ۲۲؛ همان، ۲/ ۶۴۶، ح ۳۰.

۴. همو، کمال الدین، ۲/ ۶۶۱: «فعلم الإمامة كله من الله عزوجل ومن رسول الله صلی الله علیه و آله»

۵. همو، معانی الأخبار، ص ۱۰۲؛ همو، الخصال، ۲/ ۴۲۸.

۶. همو، کمال الدین، ۱/ ۲۲۳، ح ۱۵.

برخی از روایات، به مکتوبات دیگری اشاره دارند که نزد اهل بیت علیهم السلام موجود است. تعدادی از این مکتوبات، به ایشان به ارث رسیده است. در ادامه، این مکتوبات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ۲-۱- قرآن

از مهم‌ترین منابع مکتوب نزد اهل بیت علیهم السلام، قرآن کریم است که ایشان در روایات متعدد، علم آن را به خود نسبت داده‌اند؛ کلینی در باب «أَنَّهُ لَمْ يَجْمَعِ الْقُرْآنَ كَلَّةً إِلَّا الْأَئِمَّةُ علیهم السلام وَأَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كَلَّه» به نقل برخی از این روایات پرداخته است. طبق گزارش کلینی، تنها کسانی که قرآن را همان‌گونه که نازل شده، حفظ کرده‌اند، امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از ایشان هستند.<sup>۱</sup> برخی از روایات، علم جامع به ظاهر و باطن قرآن کریم را از دیگران سلب کرده و به ائمه علیهم السلام اختصاص داده‌اند.<sup>۲</sup> در قرآن، خبر آسمان و زمین و گذشته و آینده آمده و به فرموده خدای متعال، بیان هر چیزی در آن هست. طبق فرموده امام صادق علیه السلام علم این کتاب از آغاز تا پایانش نزد ائمه علیهم السلام وجود دارد، چنان‌که گویی بر کف دست آنان است.<sup>۳</sup>

برقی در کتاب المحاسن افزون بر بیان روایاتی که «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» بودن قرآن را بیان می‌کنند، روایاتی را نیز آورده که در آن به علم ائمه علیهم السلام به باطن و تفسیر قرآن نیز تصریح شده است.<sup>۴</sup>

در آثار صدوق نیز به این مطلب تصریح شده است که «علم الكتاب» نزد ائمه علیهم السلام بوده و در روایات، ایشان با عبارت «تبیین کنندگان قرآن» توصیف شده‌اند.<sup>۵</sup>

گرچه در آثار برقی و صدوق روایاتی که در آن، ائمه علیهم السلام علم خود را به قرآن استناد داده باشند (مانند آنچه از کافی گفته شد) بیان نشده است، اما از مجموع روایاتی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۲۸.

۲. همان، ۱/ ۲۲۹.

۳. همان.

۴. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۲۷۰ و ۲۷۳.

۵. صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۵۶۵.

۶. همو، الخصال، ۲/ ۴۷۹.



که در آثار این دو بزرگوار موجود است، انکار این مطلب دشوار است؛ بلکه با در نظر گرفتن مجموعه روایات، می توان مستند بودن علم ائمه به قرآن را نیز به دست آورد.

## ۲-۲- کتب خاص

در پاره ای از روایات، ائمه علیهم السلام علم خود را به کتب و صحیفه هایی مستند کرده اند که آنها را به ارث برده اند. در این روایات از کتاب جفر، مصحف علی علیه السلام و مصحف فاطمه علیها السلام یاد شده است. ائمه علیهم السلام با وجود این نوشته جات، بی نیاز از مردم هستند و مردم به آنها احتیاج دارند.<sup>۱</sup> کلینی در بابی با عنوان «فیه ذکر الصّحیفه و الجفر و الجامعه و مصحف فاطمه علیها السلام» این روایات را گردآوری کرده و صدوق نیز در آثار خود به این روایات اشاره کرده است.

### أ) مصحف علی علیه السلام

«جامعه» که «مصحف علی علیه السلام» یا «کتاب علی علیه السلام» نیز نامیده می شود، از عناوینی است که در روایات مربوط به علم امام، بر آن تأکید شده است. بنابر گزارش کلینی، این کتاب به انشای رسول الله صلی الله علیه و آله و به خط امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده و اندازه آن، هفتاد ذراع است؛<sup>۲</sup> این تعبیر، حجیم و قطور بودن این کتاب را می رساند. در این صحیفه، تمام مسائل حلال و حرام، حتی جریمه یک خراش و نیز تمام احتیاجات و نیازهای مردم موجود است.<sup>۳</sup> شیخ صدوق روایتی در مورد نشانه های امام نقل کرده که در آن، داشتن «الجامعه» - که اندازه آن هفتاد ذراع است و در آن تمام نیازهای بشر ثبت شده است - از علامت های سی گانه امام دانسته شده است؛<sup>۴</sup> هم چنین در روایتی آمده است که هیچ کس جز پیغمبر و وصی پیغمبر، نمی تواند در آن بنگرد.<sup>۵</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۴۱ - ۲۴۲، ح ۶.

۲. همان، ۱/ ۲۳۹، ح ۱.

۳. همان، ۱/ ۲۳۹، ح ۵ و ۶.

۴. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۴/ ۴۱۹، همو، الخصال، ۲/ ۵۲۸.

۵. همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱/ ۳۱.

عبارت «جریمه یک خراش»،<sup>۱</sup> که تقریباً در تمامی روایات آمده است، اشاره به این مطلب است که این صحیفه، حاوی تمام مسائل فقهی مورد نیاز مردم می باشد. این مطلب، در روایات فقهی متعددی که کلینی و صدوق نقل کرده اند، قابل مشاهده است؛ در این روایات، ائمه علیهم السلام بسیاری از فروع و مسائل فقهی را به «کتاب علی علیه السلام» استناد داده اند.<sup>۲</sup> هم چنین بنا بر آن چه برقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، در این کتاب سزای یک تازیانه و نصف تازیانه نیز آمده است.<sup>۳</sup> ائمه علیهم السلام علاوه بر مسائل فقهی، در موارد دیگری نیز کلام خود را به کتاب علی علیه السلام ارجاع داده و فرموده اند که در کتاب علی علیه السلام این گونه آمده است؛ این روایات، مسائل اعتقادی<sup>۴</sup> و اخلاقی<sup>۵</sup> را شامل می شود.

#### ب) مصحف فاطمه علیه السلام

یکی دیگر از منابع مکتوبی که ائمه علیهم السلام از آن سخن گفته اند، «مصحف فاطمه علیه السلام» است. بر اساس گزارش کلینی، پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله حزن و اندوه فراوانی بر قلب حضرت فاطمه علیه السلام وارد شد، از این رو، جبرئیل امین برای عرض تعزیت و تسلی خاطر آن حضرت، برایشان وارد می شد و از جایگاه پدر و آینده ذریه و فرزندان شان خبر می داد و کلماتی از جانب خداوند به ایشان القاء و تحدیث می کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز هر آن چه حضرت زهرا علیه السلام می شنید را می نوشت و از آن نوشته ها، صحیفه ای تهیه شد.<sup>۶</sup> به فرموده امام صادق علیه السلام اندازه این صحیفه

۱. «حَتَّى الْأَرْضِ فِي الْخُدْشِ».

۲. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳/ ۱۷۵ و ۵۰۵؛ همان، ۴/ ۳۸۹؛ همان، ۵/ ۱۳۶؛ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۳/ ۳۲۹ - ۳۳۰ و ۴۱۶ و ۴۵۲؛ همان، ۴/ ۷۵ و ۱۵۰؛ همو، معانی الأخبار، ص ۲۱۷.

۳. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۲۷۳.

۴. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۴۰۷؛ صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۴۵۹، باب النهی عن الکلام و الجدل و المراء فی الله.

۵. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۱۳۶ و ۳۴۷؛ صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۲۲۰ و ۲۳۳.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۴۰، ح ۲؛ همان، ۱/ ۲۴۱، ح ۵.

سه برابر قرآن است، ولی یک حرف از قرآن در آن نیست.<sup>۱</sup> در این صحیفه چیزی از حلال و حرام نیامده، بلکه در آن علم مربوط به پیشامدها بیان شده است؛<sup>۲</sup> هم چنین نام هر پادشاهی که بر روی زمین به پادشاهی می‌رسد به همراه نام پدرش در آن صحیفه نوشته شده است.<sup>۳</sup> در روایتی که صدوق از امام صادق علیه السلام نقل کرده نیز به این نکته تصریح شده است.<sup>۴</sup>

جایگاه دیگری که صدوق در آن به «مصحف فاطمه علیها السلام» اشاره کرده، روایتی است که دارا بودن مصحف فاطمه علیها السلام را یکی از علامت‌های امام معرفی کرده است؛<sup>۵</sup> وی به توصیفات دیگری که کلینی از این مصحف بیان کرده، اشاره‌ای نکرده است.

#### ت) کتاب جفر

در پاره‌ای از روایات، از کتابی به نام «جفر» یاد شده است. این کتاب مخزنی است از چرم که پراز علم و دانش است<sup>۶</sup> و علم انبیاء و اوصیاء و علم عالمان گذشته بنی اسرائیل در آن است.<sup>۷</sup> هم چنین قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام و احکام میراث در آن ذکر شده است.<sup>۸</sup> در برخی روایات، دو جفر به نام‌های «جفر سفید» و «جفر سرخ» ذکر شده است. بنا بر گزارش کلینی، جفر سفید، زبور داود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم، حلال و حرام و مصحف فاطمه علیها السلام را در بردارد و جفر سرخ شامل سلاح پیامبر است و آن تنها برای خون‌خواهی گشوده می‌شود.<sup>۹</sup> شیخ صدوق نیز در آثار خود گزارش‌هایی از کتاب «جفر» بیان کرده است. طبق

۱. همان، ۱/ ۲۳۹، ح ۱.

۲. همان، ۱/ ۲۴۰، ح ۲.

۳. همان، ۱/ ۲۴۲، ح ۸.

۴. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ۱/ ۲۰۷.

۵. همو، من لایحضره الفقیه، ۴/ ۴۱۹؛ همو، الخصال، ۲/ ۵۲۸.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۴۱، ح ۵.

۷. همان، ۱/ ۲۳۹، ح ۱.

۸. همان، ۱/ ۲۴۱، ح ۴.

۹. همان، ۱/ ۲۴۰، ح ۳.

گزارش او، داشتن کتاب «جفر اکبر» و «جفر اصغر» از نشانه‌های مخصوص امام است که یکی از پوست بزبوده و دیگری از پوست گوسفند است و در آن همه دانش‌ها وجود دارد؛ حتی دیه خراش یا اثری که شخصی بر بدن کسی ایجاد می‌کند و دیه یک تازیانه و نیم تازیانه و یک سوم تازیانه در آن موجود است.<sup>۱</sup> افزون بر این، این کتاب حاوی علم منایا و مرگ و میرها و آن چه تاکنون اتفاق افتاده و آن چه تا قیامت اتفاق خواهد افتاد، بوده که خداوند عزوجل علم آن را به محمد ﷺ و اهل بیت  ایشان اختصاص داده است.<sup>۲</sup> از ویژگی‌های دیگر این کتاب این است که همانند جامعه، تنها پیامبریا وصی پیامبر می‌تواند در آن بنگرد.<sup>۳</sup> در روایتی امام صادق  پس از بیان ویژگی‌های کتاب جفر می‌فرماید: امروز صبح در کتاب جفر نگرستم و در آن درباره تولد قائم ما و غیبت او و طول عمر و گرفتاری مؤمنان در آن زمان و شک‌هایی که از طولانی شدن غیبت در دل‌هایشان پدید می‌آید و بیشترشان از دین بازگردند، تأمل کردم.<sup>۴</sup>

علاوه بر آن چه گفته شد، صحیفه‌های دیگری نیز نزد اهل بیت  وجود دارد که طبق گزارش صدوق، در یک از آنها، اسماء شیعیان ایشان تا روز قیامت و در صحیفه دیگری، اسامی دشمنان ایشان تا روز قیامت ثبت شده است.<sup>۵</sup> کلینی از این صحیفه‌ها گزارشی نیاورده است.

از آن چه تاکنون گفته شد، این‌گونه برداشت می‌شود که سه کتاب مذکور، از سرچشمه‌های علم امام به شمار می‌آیند؛ با توجه به روایتی که کلینی در شروع «باب فیهِ ذِکْرُ الصَّحِیفَةِ وَالْجَفْرِ وَالْجَامِعَةِ وَ مَصْحَفِ فَاطِمَةَ » بیان کرده است، می‌توان به اهمیت این سه کتاب در دیدگاه او پی برد؛ در این روایت، راوی از امام

۱. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۴/ ۴۱۹؛ همو، الخصال، ۲/ ۵۲۸.

۲. همو، کمال‌الدین، ۲/ ۳۵۳.

۳. همو، عیون أخبار الرضا ، ۱/ ۳۱.

۴. همو، کمال‌الدین، ۲/ ۳۵۳.

۵. همو، من لایحضره الفقیه، ۴/ ۴۱۹؛ همو، الخصال، ۲/ ۵۲۸.

سؤال می‌کند که آیا علم کامل و حقیقی این است؟ امام در جواب می‌فرماید: این علم است، ولی علم کامل نیست. علم کامل و حقیقی آن است که در هر شب و روز، دربارهٔ موضوعی پس از موضوع دیگر و چیزی پس از چیز دیگر، تا روز قیامت برای ما پدید می‌آید.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

اندیشمندان قم در آثار خود، منابع و سرچشمه‌های متعددی برای علم امام بیان کرده‌اند. با توجه به مطالبی که تاکنون بیان شد، «تحدیث و الهام» و «وراثت» دو عنوان مهم در منابع علم امام به شمار می‌آیند.

کلینی در کتاب «الکافی» روایات متعددی را دربارهٔ این دو موضوع بیان کرده است؛ اما با دقت در روایاتی که در مورد «تحدیث و الهام» نقل کرده است، روشن می‌شود که از نظری «تحدیث و الهام» نسبت به دیگر منابع علم امام، منبع مهم‌تری می‌باشد. صدوق محدّث بودن ائمه علیهم‌السلام را انکار نمی‌کند؛ ولی با توجه به آنچه وی در آثار متعدد خود بدان تصریح کرده و براساس روایاتی که نقل کرده است، این مطلب کاملاً مشهود است که از دید وی، «وراثت» مهم‌ترین سرچشمهٔ دریافت علوم برای امام است.

کمبود منابع و نیز مشترک بودن عنوان «احمد بن محمد» بین احمد برقی و احمد اشعری، مانع پی‌بردن به دیدگاه واقعی برقی در باب منابع علم امام شد؛ اما از آن‌جا که از وی، هم دربارهٔ منابع الهامی و هم در بحث وراثت، روایت نقل شده است، می‌توان گفت که او نیز به هر دو نوع منابع علم امام، باور داشته است.

از نتایج دیگر این نوشتار می‌توان به این نکته اشاره کرد که اندیشمندان قم، با وجود اختلافاتی که در ذکر و اهمیت منابع علم امام داشته‌اند، برخورداری امام از علمی خاص و ویژه - که از جانب ملک تحدیث می‌شود و امام از طریق آن با عالم ملکوت در ارتباط است و از گذشته و آینده خبر دارد - را امری حتمی می‌دانسته‌اند و انتساب این علم به امام را غلظنمی‌شمرده‌اند.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۳۹ - ۲۴۰، ح ۱.

کتاب‌ها

- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، چاپ اول: دارالحدیث، قم، ۱۳۶۴ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چاپ دوم: دارالکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
- صدوق، محمد بن علی، إعتقادات الإمامية، چاپ دوم: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ، التوحید، چاپ اول: جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ ق.
- ، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم: دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.
- ، علل الشرائع، چاپ اول: کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ، الأمالی، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ، الخصال، چاپ اول: جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
- ، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول: نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
- ، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم: تهران، ۱۳۹۵ ق.
- ، معانی الأخبار، چاپ اول: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
- ، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق.
- صفران، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، چاپ دوم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، فهرست، چاپ اول: مکتبه المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ ششم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵ ش.

مقالات

- حسینی، سید علی رضا و حمادی، عبدالرضا، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۹۳.
- طالقانی، سید حسن، «مدرسه کلامی قم»، نشریه نقد و نظر، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۱.
- قیوم‌زاده، محمود و شاکر، محمدتقی، «چیستی روح القدس و آثار آن»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۱.

## مصادر علم الإمام من منظار علماء مدرسة قم الكلامية (دراسة مخصصة حول البرقي، الكليني والصدوق)

السيد محمد مهدي الزيدي<sup>١</sup>

٢٢٣

الخلاصة:

### الخلاصة:

لا يختلف متكلمو الإمامية في تمتع الإمام بعلم خاص و متميز من جانب الله تبارك و تعالی . ولكنهم لطالما اختلفوا في مستلثين حول علم الإمام: الاولى إتساع علم الإمام و الأخرى مصادر علم الإمام. تُذكر مصادر عديدة لعلم الإمام في الروايات . ذكر علماء قم روايات في كتبهم و بينوا مصادر علم الإمام فيها.

يسعى هذا التحقيق على منهجية وصفية تحليلية أن يجيب على سؤال و هو أنه ما وجهة نظر علماء مدرسة قم الكلامية حول مصادر علم الإمام؟ بعد دراسة أقوال ثلاثة شخصيات متميزة من ثلاثة تيارات فكرية حاکمة على قم، تم التوصل الى أن هذه التيارات بعد قبولها علم الإمام المتميز، اختلفت في بيان مصادر علم الإمام حسب إتجاهاتها. المصادر الإلهامية و الوراثية تُعدان عنوانان هامان لمصادر علم الإمام أشار إليهما هؤلاء المشايخ في مؤلفاتهم.

الكلمات المفتاحية: علم الإمام، مصادر علم الإمام، مدرسة قم الكلامية، البرقي، الكليني، الصدوق.

١. طالب مرحلة الماجستير باللغة والأدب العربي في جامعة المصطفى العالمية، باحث في مركز

الثقافة الجعفرية. Mahdi\_zaidi88@yahoo.com

# Resources for Imams' Knowledge from the Perspective of Qom Rhetoric Scholars : a Case Study of Barghi, Kulayni and Sadooq

Seyyid Mohammad Mahdi Zeidi <sup>1</sup>

## Abstract

The fact that Imams are in possession of special, infinite knowledge bequeathed from Almighty Allah is agreed upon among all Imami scholars. However, scholars have showed differing views on two pivotal issues namely the sphere of Imams knowelege and the source of Imams knowledge. Hadiths have singled out varied sources for Imams knowledge. Scholars in Qom religious school have quoted some hadiths and outlined the sources for Imams knowledge. The current study adopts a descriptive-analytical approach and seeks to find answer to the following question: what was the stance taken by Qom religious school scholars toward the two pivotal questions mentioned earlier. In so doing, the current paper investigated the viewpoints expressed by three prominent scholars representing three main ideological streamlines in Qom. The results show that all the main ideological thoughlines attributed special infinite knowledge for Imams. However, they expressed differing views with regard to the sources of Imams Knowledge according to the religious orientation they had. The two sources of Imams' knowledge were "inspiration" and "heredity" as outlined by the above-mentioned scholars in the religious school.

**Key words:** Imam's Knowledge, source of Imam's knowledge, Qom Rhetoric school, Barghi, Kolaini, Sadooq.

---

1. M.A. in Arabic Literature of Jamia Al-Mostafa Univercity, researcher of the Jafari Culture Foundation. Mahdi\_zaidi88@yahoo.com